

حکایت رنجور و طبیب

تألیف مولانا جلال الدین محمد بلخی

مثنوی معنوی

دفتر ششم

براساس نسخہ ریچرڈ نیکلسون

انتشارات آلیوم

تبریز - ۱۳۹۲

سرشناسه
مؤلفی: جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ -- ۶۷۲ ق
موضوع: مثنوی، برگزیده
عنوان قرارداد: حکایت رنجور و طیب براساس نسخه ریتولد
عنوان و نام پدیدآور: نیکلسون/تالیف جلال الدین محمد بن
مشخصات نشر: تهران: آلیوم، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری: ۲۲۷ ص.
فروست: مثنوی معنوی: دفتر ششم
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۴۲-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ ق
شناسه افزوده: نیکلسون، رتولد الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م، مصحح
رده بندی کنگره: ی ش ۱۳۲۱ PIR۵۲۹۹/۱
رده بندی دیویی: ۸۶۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۰۱۴۵۶

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۶	سؤال سائل از موشی که بر سر زنبق شهری نشسته باشد سر او
۱۹	نکوهیدن ناموس های پسر سیده را که مانع ذوق ایمان و دلیل
۲۰	مناجات و پناه بخشیدن به خدا از فتنه ی اختیار و از فتنه ی
۲۲	حکایت غلام هندو که به خداوند زاده ی خود بنیان هوا
۲۴	صبر فرمودن خواججه مادر دختر را که غلام را زجر مکن من
۲۵	در بیان آنکه این غرور تنها آن هندو را نبود
۲۷	در عموم تأویل این آیت که کَلَّمَا اتَّخَذُوا نَارًا لِلْخَبَرِ
۲۷	قضیه یی هم در تفسیر این
۲۸	و انمودن پادشاه به امر او و متعصبان در راه او
۲۹	مدافعه ی امرا آن حکمت را شبیه ی جبر یانه و جواب
۳۱	حکایت آن صیادی که خویشتن در گیاه پیچیده بود و
۳۲	حکایت آن شخص که دزدان قوچ او را بدزدیدند و بر
۳۳	مناظره ی مرغ با صیاد در تره ب و در معنی تره بی که
۳۶	حکایت آن پاسبان که خاموش کرد تا دزدان رخت
۳۷	حواله کردن مرغ گرفتاری خود را در دام به فعل و مکر
۳۸	حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امید و عده ی معشوق بدان
۴۱	استدعای امیر ترک مخمور مطرب را به وقت صبح و تفسیر
۴۲	در آمدن ضریر در خانه ی مصطفی و گریختن عایشه

- ۴۳ امتحان کردنِ مصطفی عایشه را که چه پنهان می‌شوی
- ۴۴ حکایت آن مطرب که در بزم ترک این غزل آغاز کرد
- ۴۵ تفسیر قوله مُؤْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا
- ۴۷ تشبیه مغفلی که عمر ضایع کند و وقت مرگه در آن تنگاتنگ
- ۴۸ نکته گفتنِ آن شاعر جنت طعن شیعی حلب
- ۴۹ تمثیل مرد حریص نابیننده رزاقی حق را و خزاین
- ۵۰ داستان آن شخص که بر در سرایی نیم شب سحوری می‌زد
- ۵۲ قصه‌ی آنکه آخذ آخذ گشت بلال در حَرّ حجاز از صحبت
- ۵۵ بازگردانیدن صدیق واقعی بلال را و ظلم جهودان
- ۵۷ وصیت کردنِ مصطفی صدیق را که چون بلال را
- ۵۹ خندیدنِ جُهود و پنداشتنِ که صدیق مغیوب است در این عقد
- ۶۱ معاتبه‌ی مصطفی با صدیق که تو را وصیت کردم
- ۶۲ قصه‌ی هلال که بنده‌ی مخلص بود خدای را صاحب
- ۶۳ حکایت در تقریر همین سخن
- ۶۴ مثل
- ۶۵ رنجور شدن این هلال و بی‌خبریِ خواهری او از رنجوری
- ۶۶ در آمدنِ مصطفی از بهر عیادتِ هلال در مستورگاه
- ۶۶ در بیان آنکه مصطفی شنید که عیسی بر دروی آب رفت
- ۶۸ داستان آن عجزه که روی زشت خویشتن را جَنَدَره
- ۶۹ داستان آن درویش که آن گیلانی را دعا کرد که خدا تو را
- ۶۹ صفت آن عجزه
- ۶۹ قصه‌ی درویش که از آن خانه هر چه می‌خواست
- ۷۰ رجوع به داستان آن کمپیر
- ۷۱ حکایت آن رنجور که طبیب در او امید صحت ندید
- ۷۳ رجوع به قصه‌ی رنجور

۷۵	قصه‌ی سلطان محمود و غلام هندو
۷۸	لَيْسَ لِلْمَاضِيْنَ حَقُّ الْمَوْتِ إِنَّمَا لَهُمْ خِسرَةُ النُّوْبِ
۸۰	بار دیگر رجوع کردن به قصه صوفی و قاضی
۸۳	طیبه شدن قاضی از سیلی درویش و سرزنش کردن صوفی
۸۴	جواب دادن قاضی صوفی را
۸۵	سؤال کردن آن صوفی قاضی را
۸۵	جواب گفتن آن قاضی صوفی را
۸۷	باز سؤال کردن صوفی از آن قاضی
۸۷	جواب قاضی سؤال صوفی را و قصه‌ی تُرک و درزی را
۸۸	قال النَّبِيُّ إِنَّ الدَّيْلَمِيَّ الْعَظِيمَ عَلَى لِسَانِ الْوَاعِظِينَ
۸۸	دعوی کردن تُرک و گرو بستن او که درزی از
۸۹	مضاحک گفتن درزی و تُرک را از قوت خنده بسته شدن
۹۰	گفتن درزی تُرک را هُی خاموش کن اگر مضاحک
۹۱	بیان آنکه بیکاران و افسانه جویان مثل آن تُرکند و عالم غرار
۹۱	مثل
۹۲	باز مکرر کردن صوفی سؤال را
۹۲	جواب دادن قاضی صوفی را
۹۳	حکایت در تقدیر آنکه صبر در رنج کار سبیل تر از صبر
۹۴	مثل
۹۶	باقی قصه‌ی فقیر روزی طلب بی واسطه‌ی کسب
۹۹	قصه‌ی آن گنجنامه که پهلوی قبه‌ی روی به قبله کن و
۱۰۱	تمامی قصه‌ی آن فقیر و نشان جای آن گنج
۱۰۱	فاش شدن خبر این گنج و رسیدن به گوش پادشاه
۱۰۲	نومید شدن آن پادشاه از یافتن آن گنج و ملول شدن
۱۰۲	باز دادن پادشاه گنجنامه را به آن فقیر که بگیر ما

- حکایت مرید شیخ حسین خرقانی ۱ ۱۰۵
- پرسیدن آن وارد از حرم شیخ که شیخ کجاست کجا جویم و ۱۰۶
- جواب گفتن مرید و زجر کردن مرید آن طعانه را از ۱۰۷
- واگشتن مرید از وثاق شیخ و پرسیدن از مردم و نشان ۱۰۹
- یافتن مرید مراد را و ملاقات او با شیخ نزدیک آن بیشه ۱۰۹
- حکمت در این جا علّ فی الأرض خلیفه ۱۱۰
- معجزه‌ی مدد در تخلص مؤمنان امت به وقت نزول باد ۱۱۲
- رجوع کردن به قصه‌ی قبه و گنج ۱۱۵
- اثابت آن طالب گنج به حق تعالی بعد از طلب بسیار ۱۱۶
- آواز دادنِ هاشم مر طالب گنج را و اعلام کردن از حقیقت ۱۱۹
- حکایت آن سه مسافر مسلمان و ترسا و جهود که به منزل ۱۲۰
- حکایت اشتر و گاو و فیل که در رام بند گیاه یافتند ۱۲۴
- مثل ۱۲۴
- جواب گفتنِ مسلمان آنچه دیده به یارانش جهود و ترسا ۱۲۵
- منادی کردن سید ملکِ تَرَمِد که هر که در سه یا چهار روز به ۱۲۶
- حکایت تعلّق موش با چغز و بستنِ پای هر دو به رشته‌ی ۱۳۲
- تدبیر کردن موش به چغز که من نمی‌توانم بر تو آمدن به ۱۳۳
- مبالغه کردن موش در لابه و زاری و وصلتِ مجستن از ۱۳۴
- لابه کردن موش مر چغز را که بهانه می‌ندیش و در نسیه می‌نداز ۱۳۶
- حکایت شب دزدان که سلطان محمود شب در میان ایشان ۱۴۰
- قصه‌ی آنکه گاو بحری گوهر کاویان از قعر دریا برآورد شب ۱۴۵
- رجوع کردن به قصه‌ی طلب کردن آن موش آن چغز را لب ۱۴۶
- قصه‌ی عبدالغوث و ربودنِ پریان او را و سال‌ها میان ۱۴۷
- داستان آن مرد که وظیفه‌ی داشت از محتسب تبریز و وام‌ها ۱۴۹
- آمدن جعفر به گرفتن قلعه‌ی به تنهایی و مشورت کردن ۱۵۰

رجوع کردن به حکایت آن شخص وام کرده و آمدن او	۱۵۴
باخبر شدن آن غریب از وفات آن محتسب و استغفار او از	۱۵۴
مثال دو بین همچو آن غریب شهر کاش عمر نام که از یک	۱۵۹
توزیع کردن پایمرد در جمله‌ی شهر تبریز و جمع شدن اندک	۱۶۰
دیدن خوروش‌شاه؛ در شیران در موکب خود اسبی پس نادر	۱۶۴
مؤاحده‌ی یوسف صدیق به حبس بضیع سنین به سبب	۱۶۷
رجوع کردن به قصه‌ی آن پایمرد و آن غریب وامدار و	۱۷۲
گفتن خواجه در خواب به آن پایمرد وجوه وام آن دوست را	۱۷۳
حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را	۱۷۵
بیان استمداد عارف از سرچشمه‌ی حیات ابدی و مستغنی	۱۷۶
روان شدن شهزادگان در مسالک پدر بعد از وداع	۱۷۸
رفتن پسران سلطان به حکم آنکه الانسان حریض علی ما مئیع	۱۸۱
دبدن ایشان در قصر این فقهی ذات السور نقش روی دختر	۱۸۳
حکایت صدر جهان بخارا که هر سائلی که به زبان بخواستی از	۱۸۵
حکایت آن دو برادر یکی کوسه و یک امرد در عزب خانه‌یی	۱۸۷
در تفسیر این خبر که مصطفی فرمود منیومان لایستعان	۱۸۹
بحث کردن آن سه شهزاده در تدبیر آن واقعه	۱۹۰
مقاله برادر بزرگین	۱۹۰
ذکر آن پادشاه که آن دانشمند را به اکراه در مجلس آورد و	۱۹۱
روان گشتن شاهزادگان بعد از اتمام بحث و ماجرا به	۱۹۴
حکایت امرء القیس که پادشاه عرب بود و به صورت عظیم به	۱۹۴
بعد مکث ایشان متواری در بلاد چین در شیر تخت‌گاه و بعد	۱۹۸
بیان مجاهد که دست از مجاهده باز ندارد اگر چه داند بسطت	۲۰۳
حکایت آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلبی از یسار	۲۰۵
سبب تأخیر اجابت دعای مؤمن	۲۰۵

- رجوع کردن به قصه‌ی آن شخص که به او گنج نشان ۲۰۶
- رسیدن آن شخص به مصر و شب بیرون آمدن به کوی از بهر ۲۰۷
- بیان این خبر که الْكَذْبُ رِيَّةٌ وَالصَّدَقُ طُمَأْنِينَةٌ ۲۰۸
- مثل ۲۱۱
- بارگشتن آن شخص شادمان و مراد یافته و خدای را ۲۱۱
- مکرر کردن برادران پند دادن بزرگین را و تاب نا آوردن او ۲۱۳
- مفتون شدن قاضی بر زن جوچی و در صندوق ماندن و نایب ۲۱۶
- رفتن قاضی به خانای زن جوچی و حلقه زدن ۲۱۷
- آمدن نایب قاضی میان بازار و خریداری کردن ۲۱۹
- در تفسیر این خبر که مِصْطَفَى فرمود مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ ۲۲۰
- باز آمدن زن جوچی به محکمه‌ی قاضی سال دوم بر ۲۲۱
- باز آمدن به شرح قصه‌ی شاهزاده و ملازمت او در ۲۲۳
- در بیان آنکه دوزخ گوید که قنطاری صراط بر سر اوست ای ۲۲۴
- متوقی شدن بزرگین از شهزادگان و آمدن برادر میانین به ۲۲۵
- و سوسه‌پی که پادشاهزاده را پیدا شد از سبب استغنائی و ۲۳۰
- خطاب حق به عزرائیل که تو را رحم بر که بیشتر ۲۳۲
- کرامات شیخ شیبان راعی ۲۳۳
- رجوع کردن به قصه‌ی پروردن حق تعالی نمرود ۲۳۴
- رجوع کردن بدان قصه که شاهزاده زخم خورد از ۲۳۵
- و صیّت کردن آن شخص که بعد از او برد مال مرا ۲۳۶
- مثل ۲۳۷

مقدمه

مجلد ششم از دفترهای مثنوی و بیانات معنوی که مصباح ظلام و هم و شبهت و خیالات و شک و ریبیت باشد و این مصباح را به حس حیوانی ادراک نتوان کردن؛ زیرا مقام حیوانی اسفل السافلین است که ایشان را از بهر عمارت، صورت عالم اسفل آفریده اند و بر حواس و مدارک ایشان دایره‌یی کشیده اند که از آن دایره تجاوز نکنند.

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ یعنی مقدار رسیدن عمل ایشان و جولان نظر ایشان پدید کرد؛ چنان که هر ستاره را مقداری ست و کارگاهی از فلک که تا آن حد عمل او برسد و همچون حاکم شهری که حکم او در آن شهر نافذ باشد، پس در وای آن توابع آن شهر او حاکم نباشد، عَصَمْنَا اللَّهُ مِنْ خُبْسِهِ وَ خُتْمِهِ وَ مَا حَاجِبَ بِالْمَحْجُوبِينَ، آمین یا رَبَّ الْعَالَمِينَ.